

پادکست حضرت نوح | قسمت پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلِّي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا.»

آقا اگه بلد بود زن و بچه خودش را نگه می داشت.

اگر شما را پیغمبر طلاق بدهد بهتر از شما گیرش میاد. فکر نکنید الان پیغمبر محتاج یک زندگی با شما فرار گرفته است. نه خیر.

شما ببینید حضرت نوح گرفتار یک زنی شده است که مثل زنهای پیغمبر خودمان است.

یا محض الکفر یا محض الايمان یا محض کفر یا محض ايمان وسط لحاف خواب.

«سلام علی نوح فی العالمین»

دین، حقیقتی جوان پسند

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عرض می کنم خدمت همه شنوندگان عزیز پادکست محفلی نوحی آخرالزمانیمان.

ان شاء الله که چشممان به جمال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روشن بشود. ثواب این پادکست هم را هدیه میکنیم به روح مرحوم شهید عزیز مقاومت سید الشهداء مقاومت سید حسن نصرالله عزیز.

خوب در این جلسات داشتیم راجع به حضرت نوح بحث میکردیم. گفتیم آقا مردم در مقابل دعوت حضرت نوح نایستادند. اون کسانی که ایستادند ملاً بودند، مترف بودند. البته از این طرف هم هست. کسانی که جوانهای پاک اند، اینها بی شیله پيله اند، اینها دور و بر پیغمبران می تابند. اینها کسانی اند که دور و بری های پیغمبرند و کسانی که عمدتاً دنیا گرا شدند، پیر شدند، یک مقداری هم ملاحظه کاری در آنها زیاد شده است، اینها دعوت انبیا رو پاسخ نمیدهند. برای همین ممکن است کسانی که به تعبیر حضرت امام کسانی که طعم فقر و محرومیت را چشیده اند این پابرهنه ها، اینها کسانی اند که ولی نعمت ما هستند و تا آخر اینها هستند که با انقلابها باقی میمانند.

آنهايي که دارند بخوربخور میکنند، اینها با انقلاب ها باقی نمی مانند و جوانهایی که به ظاهر خیلی وقت ها این پیرمردها به آنها میگویند که شما جوانای خام کله خرابی هستید، اینها همان فطرت های پاکی هستند که دعوت انبیا را می پذیرند.

عرض کردم که دین در تعریف خودش جوری است که جوان پسند است، پیرمردی نیست. اگر دیدیم که یک مقداری پیرمرد پسند شده است و جوان دارد ابا میکند، معلوم است مفاهیم دینی را برداشتیم یک جوری ترتیب دادیم که خلاف آن جوری است که پیامبران میامدند در صحنه و میدان و قرآن میگفتند و اینها پر از مفاهیم جهاد است. خود این مفهوم جهاد جوان پسند است. خودش آدم را می کشاند وسط خودش. اینجوری تیز و محکم برخورد کردن با نظام طاغوت این است که آدم را میکشد.

ماجرای حضرت نوح نبی

خوب یکی از موضوعات دیگری که خیلی در چشم میزند در مورد حضرت نوح که یک بحث مبنایی دارد آن این است که آقا «کل اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی.» آقا نوح اگر بلد بود خودش زن و بچه خودش را نگه میداشت. چرا اینجوری شده است؟ چرا اتفاقاً زن و بچه خودش نیستند در ماجرا؟ چرا آنها ایمان نمی آورند؟ چرا اونها جزء کفار اند؟ خب اینجا من باید یک توضیحی بدم. توضیح مهم.

اولا در این قضیه زن را با بچه جدا کنید چون هر کدامش یک ویژگی دارد.

زن حضرت نوح، همسر حضرت نوح با فرزند حضرت نوح حساب کتابشان فرق دارد که هر کدام جدا باید توضیح داده بشود.

خب بریم سراغ همسر عزیزشان. اولاً اینو بدونید همسر حضرت نوح یک همسر بسیار خوبی داشته به نام عموره که خیلی زن بافضیلت و با کمالاتی بوده است و جزو اجداد و جدات پیغمبر بوده و مادر سام هم بوده است. سام کسی است که بعد از حضرت نوح جانشین حضرت نوح میشود.

یک همسر خیلی فوق العاده داشته مثل پیغمبر ما که یک خدیجه ای داشته است که واقعا به او افتخار میکرده است و واقعا کوثر باید از این مادر بیرون بیاید. بالاخره به مادر فوق العاده ای بوده و یک همسر فوق العاده بوده است حضرت خدیجه ام المومنین.

در مورد حضرت نوح هم عموره همسر حضرت نوح بوده است. زن بسیار پاکدامن، بسیار فوق العاده در دعوت نوح بسیار همراه و مادر سام که در حقیقت جانشین حضرت نوح است. اما یک زن بدی هم بعدش داشته است البته یک زن بد من عرض کردم زن خطاکار بدکاره نه به این معنا که خدای نکرده زناکار، منظور اینجوری نبوده است. ولی خلاصه تو دعوت نوح آب میکرده. در هدف نوح حرکت نمی کرده است. همسر نوح نبوده، هم پر نوح نبوده، صرفا هم بالین نوح بوده است.

این یک مقدمه ای داره. ببینید کسانی که بزرگند، در خانواده های پر اصل و نسبند. اینها بدانند فضا برایشان بسیار آماده است هم برای رشد. مثل کایت سوارهایی هستند که از بالای یک دره ای شروع میکنند کایتشان را راه میاندازند یا میروند در فضای آسمانی بیکران کیف حالش را میکنند از این فضا استفاده میکنند یا کایتشون خراب است با مغز میخورند زمین. این را بدانید ماشین های پرسرعت اگر خوب حرکت میکنند ماشین هایی هستند که سریع به مقصد میرسند. اما اگر شروع بکنند به ویراژ دادن و گاز الکی دادن و ترمز الکی کردن و خلاصه مسیریابی درست نکنن با مغز میخورن زمین اینها. این یک قاعده است.

لذا کسانی که در خانواده های اصیل و پر اصل و نسب، در خانواده های فرهیخته و مومن با اهداف عالی حرکت میکنند اینها بسیار بسیار آماده اند برای انحراف. یک نکته مهم رو دقت بکنید. گاهی اوقات حرکت های سیاسی که میکنند گندکاری های سیاسی ای که میکنند در حد آثار بسیار بین المللی میگذارند از خودشان.

شما سوره مبارکه احزاب رو ببینید آیه ۲۸ به بعد. ببینید در مورد خود پیغمبر خودمان یک نگاهی بکنید. پیغمبر خودمون یک همسرانی داشته به تعبیر خود قرآن یک همسرانی داشته است سوتی. شما نگاه بکنید همسرانی داشته است که کلا دست پیغمبر را خط میزدند، اینها همراه نبودند. گاهی اوقات میگویم دست خط زدن، خلاصه کم گفتم مشتری بشی ها. بعدا بهت نشان میدهم در آیات. اینها پشت به پشت هم میدادند برای اینکه پیغمبر را زمین بزنند. برنامه پیغمبر را عوض بکنند.

سوره مبارکه احزاب رو ببینید. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحَكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا.»

پیغمبر به زنان بگو «إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا» اگر شما حیات دنیا میخواهید زینت حیات دنیا میخواهید، اگر میخواهید وارد بازی های سیاسی بشوید، اگر دنبال مال و پول و فلان هستید، اگر دنبال این هستید که ساخت و پاخت با نظام کفر بکنید تا بتوانید عمل بینیتان را در فرانسه انجام بدهید، اگر اینجوری است «فَتَعَالَيْنَ» بیائید «أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحَكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا.» بلند شوید بیائید من بهره مند تان میکنم. مهریه تان را هم میدهم. یا علی. خداحافظ.

به یک «سَرَاحًا جَمِيلًا» به یک طلاق جمیله. خلاصه بروید پی کارتان دیگر. بله «وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ» اگر خدا را میخواهی، اگر رسول را میخواهید، اگر آن سرای قیامت را میخواهید، «فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنِينَ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا»

محسنات شما را خدا اجر عظیم میدهد. زنان محسن و نیکوکار شما را خدا اجر میدهد.

«يُئْسَاءُ النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفُحْشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»

ای زنان پیغمبر! هر کدومتان فاحشه مبینه انجام بدهد یک فحشای مبین روشن، باز هم عرض می کنم فحشا و فاحشه در ادبیات قرآنی به معنای زناکاری نیست. به معنای خطای فاحش است. خطای فاحش رو میگن فاحشه اون «ه» علامه است. «ه» در حقیقت مبالغه است.

شما شبیه زنهای دیگر نیستید. شما اگر خطا بکنید «يُضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» دوبرابر عذاب میشوید، چند برابر عذاب میشوید چون چند برابر خطا کردید و می کنید.

«وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ لِيٍّ وَرَسُولِهِ- وَتَعَمَلْ ضَلِيلًا نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا» اگر خاضعانه برای خدا و رسول خضوع کنید و عمل صالح انجام بدید. در پازل پیغمبر باشید «نُؤْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ» این طرف دو برابر آن طرف هم دو برابر. ما پاداش دو برابر به شما میدهم «وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا» برای او رزق نیکویی قرار میدهم.

«یا نساء النبی.» ای زنانی پیغمبر!

«يُنِسَاءَ اللَّيْطِ لَسُنُّنٌ كَأَحِدٍ مِّنَ النَّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» شما قول، خاضع نکنید. جوری طمع نکنید که کسانی که کار سیاسی می‌خواهند بکنند و می‌خواهند زیرآب پیغمبر را بزنند روی بیت پیغمبر حساب باز بکنند «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» حرف معروف بزنید. حرف شایسته بزنید. نگذارید مورد سوء استفاده قرار بگیرید.

برای همین است که من خدا به شما میگویم «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» بمانید در خانه‌ها و اگر نمیتوانید کار سیاسی بکنید که شما نباید کار سیاسی بکنید چون که گند میزنید، این کار را نکنید و وارد این بازی نشید. شما خودتون رو وارد این بازی نکنید.

خوب می بینید همین موضوع ادامه پیدا می کند در سوره مبارکه تحریم. سوره مبارکه تحریم را نگاه کنید. حالا ممکن است شما فکر کنید حاج آقا نوحش کجاش است؟ حالا بهتون میگم نوحش کجاش است. ببینید همسر پیغمبر بودن لزوما چک سفید نیست. همسر پیغمبر بودن یعنی با مغز گاهی اوقات زمین خوردن

دارد «وَإِذْ أَسْرَ اللَّيْطِيُّ إِلَى بَعْضِ أَرْوَاحِهِ - حَدِيثًا» خوب این آیات دقت کنید ببینید چقدر در معرضند. اتفاقا بیت پیغمبران چقدر در معرض خطا هستند. وقتی که به رازی را پیغمبر به یکی از همسرانشان گفت «فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ - وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ - وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضِ» خدا وقتی که پیغمبرش را روشن کرد نسبت به این قضیه، پیغمبر اومد بخشی از این راز را گفت به اینها و بخشی هم نگفت. شاید نگفت به خاطر اینکه اینها میتوانستند توطئه‌های علی البدل بزنند «فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ» وقتی که در حقیقت این خبر داد به آنها «قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا». برگشته زن پیغمبر به پیغمبر میگوید کی بهت خبر داد؟ بابا به خدایی هست خبر میدهد. «قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ» یک علیم خیر به من خبر داد یکخدای دانایی.

بعد ببینید کار چه جوری دارد میشود. «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» اگر توبه بکنید شما دو نفر دو زن توبه بکنید. دلتان منحرف شده تموم شده است دیگر شما گند را زدید. «وَإِنْ تَظْهَرَا عَلَيْهِ» ببینید در معرض اینند. اگر پشت به پشت هم بدید که بخواید پیغمبر را زمین بزنید، یعنی همسر پیغمبر میتونه پیغمبر رو زمین بزند، میتواند برنامه ریزی کند این کار را بکند «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» خدا مولای اوست، جبرئیل مولاست، جبرئیل کمک میکند، جبرئیل پشتوانه است، «صالح المومنین» مومنین صالح حواسشان را به پیغمبر میدهند در رأس امیر المومنین علی ابن ابی طالب. «وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» بعد از این تازه ملائکه هم هستند. «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يَبْدِلَهُ أَرْوَاهُ خَيْرًا مِّنْكَ» اگر شما را پیغمبر طلاق بدهد بهتر از شما گیرش میاید. فکر نکنید الان پیغمبر محتاج یک زندگی با شما قرار گرفته است، نخیر، «خَيْرًا مِّنْكَ مُسَلِّمَتٍ مُّؤْمِنَةٍ قَنِيَّتٍ تَتَّبِعْتِ عِبَادَاتٍ سَنِيحَةٍ تَتَّبِعْتِ وَأَبْكَارًا» یک زنان شایسته مسلمان مومن فرمانبر توبه کار خداپرست روزه دار حالا چه باکره چه غیر باکره.

اینجاست که به مومنین می گوید مومنین «يَنَائِبُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَوْا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» هوای زن و بچه را داشته باشید، هوای خانواده خودتان داشته باشید. البته آنها اختیارات خودشان را دارند. اختیار خودشان را دارند.

لذا کسانی که زن و بچه ای که اختیار خودشان را دارند یک آدمی اند توی یک شرایطی هم فرار می گیرند، این شرایط زندگی با یک همسری مثل پیغمبر اگر طرف ناخالصی داشته باشد تلب! ناخالصی می زنه بیرون. و اتفاقا کارهایی می کنند.

ما در زندگی مسوولین خودمون گاهی اوقات دیدیم. همسرانشون، فرزنداناشون دخترانشون، کارهایی میکنند، حرفایی میزنند، جفتک هایی میزنند، جفت پا میگیرند برای نظام که به صورت معمول آدم های دیگر نمی گیرند و به صورت معمول تاثیر آدم های معمولی اصلا این مقدار تاثیر نیست. نمی خوام اشاره بکنم. احتمالاً تو خیلی از این خاطرات خودتان به لحاظ سیاسی دنبال کنید پیدایشان می کنید.

و اما بخش نوحش. شما ببینید حضرت نوح گرفتار یک زنی شده است که مثل زن های پیغمبر خودمان است. مثل برخی از زن های پیغمبر خودمان است که ضرب المثل کفر شده. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ» شده اند ضرب المثل کفر زن نوح و زن لوط که اینها «كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ» اینها تحت نظر دو تا از عباد ما بودند. دو تا از عباد صالح ما بودند. هم بستر و هم بالین آنها بودند. «فَخَانَتَاهُمَا» اینها هم خیانت کردند. خیانت کردند یک بار دیگر هم عرض کردم نه اینکه فکر کنید کار زشتی انجام دادند، فحشا انجام دادند، نخیر، ولی این کاری که کردن از فحشا گاهی اوقات بالاتر است. این کاری که کردن، جفت پا گرفتن برای پیغمبر است. اینها قطعاً جزء کفاری هستند که زن حضرت نوح جزو کسانی است که حتما جزء غرق شدگان هستند. این ماجرای همسر پس ماجرای همسر اینطوری است. آقا کسی که همسر شده نسبت پیدا کرده است، این نسبت های نسبی و سببی. من داماد کی ام، این داماد اوست، اون پسر اوست، اینها نه تنها گاهی اوقات جلو نمی برد آدم ها را بلکه با مغز زمین می زند. آدم ها اختیار خودشان را دارند. مقداری از ناخالصی را اینجا خودشون نشون میدهند.

ماجرای فرزند نوح

و اما فرزند نوح. فرزند نوح این مدلی نبوده کارش، بحثش این مدلی نیست. او از به بحث دیگری پیروی میکند که من این را بعدا مبنای اش را میگویم. فعلا سردستی به شما یک چیزی را عرض بکنم. سوره مبارکه هود آیه ۴۲ اینجوری دارد «قِيلَ يُنوحُ اهْبِطْ بِسَلْمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ أُمَّةٍ مِّنْ مَّعَكَ وَأُمَّةٌ سَنُنْتَعِبُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ» دارد «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ» کشتی در میان امواج کوه آسا حرکت میکرد «وَوَدَّأَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ» و نوح فرزندش ندا داد بلند شو «وَوَكَانَ فِي مَعْزِلٍ» رفته بود یک گوشه ای و جزو کفار نبود. فرزند نوح جزو کفار نبود، وسط لحاف بود. در قضایای آخرالزمانی و نوحی موقعیتی و لوکیشنی به نام وسط لحاف حذف میشود. دیگر کسی نمیتواند وسط لحاف بخوابد یا بیا این طرف یا برو آن طرف.

قضیه اینجوری است. بهش میگویند «وَوَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يُبَيِّنُ آرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ» با کافران نباش. چونکه اگر تو همینجوری وسط لحاف بمانی در جامعه مومنین نیستی. آخرش با کافران محشور میشوی با اینکه خودت کافر نیستی. سوار شو سوار شو.

غربالگری در آخر الزمان

این بر میگردد به یک بحث مبنایی و آن بحثی که من ان شاءالله جلسه بعد راجع به آن صحبت میکنم.

بحث تمحیص. غربال. غربالگری یکی از ویژگی های است که باید انجام بشود. خدا نمیکند کسی همینجوری «فی قلوبهم مرض» قرار بگیرد، مگر اینکه مریضیش را انقدر زیاد کند که وضعیتهش مشخص بشود. خدا نمیکند آدم ها همین جوری باقی بمانند. به خصوص در شرایط نوحی. در شرایط غرقی. در شرایط آخرالزمانی یا محض الکفر یا محض الايمان یا محض کفر یا محض ايمان. وسط لحاف ن خواب.

اگر در زمان پیغمبر خودمان و یک پیغمبرهای دیگری می شد این کار را کرد، که به تعبیر قرآن میگوید «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ» کسانی که خداپرستی می کنند در حاشیه ولی «فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ» وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ»

کسانی که خیری، پولی، پله ای، چیزی باشد، میایند این طرف، مشکلی باشد درگیری باشد میروند آن طرف. خدا میگوید «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» این ها خسر دنیا و الآخرة اند.

دیدید این کسانی که بازی زو می کنن. این کسانی که بازی زو می کنند خیلی در ذهن من زیاد میایند. بعضی ها بلند میگویند زو چنان میروند وسط صحنه میگیرند زیر پیراهنش را پاره میکنند یا میزند یا میخورد. خب این در حقیقت عشق بازی زو مال اینهاست. بعضی آدم ترسوپی هستند و نمیتوان بیاید وسط، چنان یه نفس میگیرد پایش را میگذارد یکم آن طرف. نه کسی با این کار دارد نه این با کسی کار دارد. این وسط به این فکر میکند که داره بازی میکند. نه کسی این را تحویل میگیرد نه این کسی را میتواند تحویل بگیرد نه لذت میبرد حتی از بازی. اصل لذت «اهدی حسنین» این مال کسانی هست که زو میکشند میروند آن وسط.

در آن وسط بزنی بزنی است. بزنی بخورد. آنجا زیرپیراهن پاره میکنند آنجا لذت میبرند نه کسانی دیگر.

اینجاست که میخواهم عرض کنم یک بحث مبنایی را باهمدیگر انشالله خواهیم کرد و آن بحث این است که وسط لحاف دیگر نمیشود ماند. داریم به سمت آخرالزمان میرویم. شرایط نوحی شما نمیکند این کار را بکنید.

من باید به مقداری راجع به پروسه غربالگری خدا به خصوص در جریان نوح و در جریان آخرالزمان صحبت بکنم. بدونیم که «حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح/ ورنه توفان حوادث ببرد بنیادت»

یا علی. خداحافظ.